■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۶۱۲ ■ یکشنبه ■ ۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۳ | اذان مغرب ۲۰/۰۱ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۶ | اذان صبح فردا ۴/۵۵ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۴

سخن روز

امام سجاد(ع): خدایا پناه می‌بریم به تو از شماتت و شاد شدن دشمنان و از نیازمندی به همانندان خودم و از زندگی در سختی، و از مردن بی‌توشه سفر.

صحیفه سجادیه

رامین سیار دشتی: هنرمندان از سرناچاری در پروژه‌های مختلف حضور می‌یابند

این روزها هنرمندان از سرناچاری در پروژه‌های مختلف حضور می‌یابند در حالی که پروتکل‌های بهداشتی به درستی رعایت نمی‌شود. من نزدیک به سه سال است که فعالیتی در تئاتر نداشته‌ام و آخرین کارم به نمایش «نامبرده» علی اصغر دشتی باز می‌گردد که در سال ۹۷ به صحنه رفت. در حال حاضر نیز برای امرار معاش مشغول شغلی بی ارتباط به هنر هستم و در این مدت تنها یکی، دو سریال کار کردم که تصویربرداری یکی از آنها هنوز ادامه دارد. امیدوارم شرایط تغییر کند که البته این مسأله بستگی به این دارد که چه زمانی واکسیناسیون سراسری انجام شود تا همه بتوانند با خیالی راحت‌تر سر کارهایشان برگردند. با این وضعیت و تعطیلی مشاغل و فقط رعایت مردم مطمئناً اتفاقی نمی‌افتد.

بازیگر نقش دن کیشوت در گفت‌وگو با مهر، از دوری ۳ ساله خود از فضای تئاتر سخن گفت

دعای روز دوازدهم
ماه مبارک رمضان

اللَّهُمَّ زَيِّنِّي فِيهِ بِالسِّتْرِ وَ الْعَفَافِ وَ اسْتُرْنِي فِيهِ بِالْبأْسِ الْقُنُوعِ وَ الْكَفافِ وَ احْمِلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَ الْإِنْصَافِ وَ آمِنِّي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ

خدایا مرا در این ماه به پوشش و پاکدامنی بیارای، و به لباس قناعت و اکتفا به‌اندازه حاجت بپوشان و بر عدالت و انصاف وادارم نما، و مرا در این ماه از هرچه می ترسم ایمنی ده، به نگهداری ات ای نگهدارنده هراسندگان.

یادداشت

سعید صادقی
عکاس جنگ

نقش و تأثیر عکس‌ها در کرونا کمرنگ شده است

به خاطر متفاوت بودن شرایط اجتماعی امروز ایران با روزگار جنگ تحمیلی باورپذیری افراد نسبت به مسائل موجود در جامعه مانند کرونا نسبت به گذشته کمرنگ تر شده است. شرایط اجتماعی دوران جنگ ایران و عراق به گونه‌ای بود که همه از پیر گرفته تا نوجوان ۱۳ ساله احساس مسئولیت می‌کردند آن هم با خلوص نیت و صادقانه در برابر طوفان تهاجم سنگین نظامی با قدرت ایستادگی کردند. آن هم در مقابل نیرویی که از طرف شرق و غرب و همسایه‌های عرب به کمک ثروتشان حمایت می‌شدند؛ در آن طوفان هولناک با دستان خالی و سلاح اندکی که داشتیم در آن خشونت خونین و ویرانی سرزمینمان ایران، جوانان فداکار بسیاری عاشقانه و با تصور ایجاد زندگی با شرافت و به دور از تحقیرها و داشتن عزت ملی جانشان را عاشقانه ایثار کردند و در عمق باورها و انگیزه هاشان در قالب اعتماد به حکومت، دشمن مهاجم را به زانو در آوردند، به طوری که حمله کننده تقاضای اتمام جنگ را کرد. من به عنوان عکاسی که در سال‌های جنگ حضور داشتم و با آن جان‌های ایثارگر همنفس شده بودم بعینه دیدم که شهدا چگونه از جانشان گذشتند. اما امروز با گذشت زمان شرایط اجتماعی به گونه‌ای شده است که دیگر حال مردم نسبت به دوران دفاع مقدس متفاوت شده است وساختار اجتماعی موجود در جامعه دیگر به مانند آن دوران نیست، به عنوان عکاس سال‌های جنگ آنچه در تصاویر کرونا می‌بینم برای برخی از افراد بیشتر یک نمایش است، در حالی که ذات و ماهیت عکس‌های دوران هشت ساله جنگ ارتباط ها و همدلی‌های مشترک با هویت و ریشه‌های اصالت سرزمین ایران هویداست، چون ذات دفاع مردمی اعتماد به ماندن و حفظ سرزمینمان بود؛ برای همین مادران فرزندان خود را و همسران جوان تازه به خانه بخت رفته، شوهرانشان را با باورهای عاشقانه روانه میدان جنگ می‌کردند. من نیز که تازه ازدواج کرده بودم با اصرار همسرم به جبهه می‌رفتم وهمه بر این باور بودند که خدا هر چه بخواهد همان خواهد شد و خیلی مسائل دیگر که اکنون نمی‌توان آن را گفت.

انسان در عینیت جنگ بین کشورها و آدم‌ها بیشتر به مرگ و ویرانی نزدیک است تا در واقعه کرونا؛ در کرونا بحث اعتماد مردم همه چیز را شکل می‌دهد. دیواری است به نام اعتماد که مرز آن با بی‌اعتمادی فاصله اندکی دارد. عدم اعتماد باعث شده است که مردم در برابر مراقبت از خود بی‌تفاوت شوند و باورشان را از دست بدهند. در چه صورت مردم به ویرانگری کرونا اعتماد می‌کنند؟ زمانی که فرزند یا نزدیکانشان از بین برود و به باور خطرناک بودن ویروس کرونا برسند، اما در جنگ همه چیز بود. ما به مرگ چسبیده بودیم اما شرایط برایمان عادی تر بود. حس رفتن به بهشت بود. حس زیبایی بود و نه زشتی، اما کرونا مقوله ای وحشتناک است که هنوز برای جامعه ما قابل باور نیست؛ بسیاری از کشورها چند مرحله واکسن زده‌اند ،اما هنوز کشور ما به صورت همگانی واکسن نزده است همین مسأله هم به نوعی مردم را دلسرد می‌کند.عکس و نقش آن در آگاهی مردم دیگر مانند سابق نیست.عکس دیگر آن اثر سابق را در جامعه ندارد، حتی زمانی که سرعت در انتقال عکس و مفهوم به شدت بالاست. اگر در زمان جنگ عکاسی می‌کردیم، یک هفته طول می‌کشید تا عکس به تهران برسد و چاپ شود و با مخاطب ارتباط بگیرد، اما حالا بعد از چند ثانیه عکس در سایت‌های دنیا دست به دست می‌شود. سرعت ارتباطات جهانی آنقدر عمیق است که بیشتر باید به آن توجه کرد. مردم با همین ارتباطات همه چیز را می‌دانند. این هم خود مزید بر علت بی‌اعتمادی‌ها می‌شود؛ زمانی مردم همه چیز را می‌پذیرند که حاکمیت هم بتواند اعتماد را در جامعه تقویت کند، اعتمادی که منجر به تأثیرگذاری عکس‌ها می‌شود.

یادداشت

رضا آشفته
منتقد

صحنه خالی

این سال‌ها و پیش از تعطیلی سالن‌های تئاتر به‌دلیل کرونا متداول شده که تماشاگران تئاتر اغلب با صحنه خالی همراه بشوند؛ یعنی با ورودشان به تئاتر و آمدن نور صحنه بیشتر متوجه می‌شوند که از دکور و چیدمان چندان خبری نیست، بلکه نمایش با حضور بازیگران و چند نور مختصر و به اصطلاح مفید و گاهی نیز با بهره بردن از لباس و گریم سروته یک نمایش را هم آورده‌اند. شاید این یک ایراد بزرگ و کاملاً غیر منطقی باشد که با اصول و ترکیب تئاتری سر سازگاری نداشته باشد اما چرا همه به این نقصان بارز که بسیار هم ویرانگر است تن می‌دهند؟! این نقصان دو دلیل عمده می‌تواند داشته باشد. یکم ازدحام کارها در یک سالن و دوم هم صرفه‌جویی در بودجه و شاید دلیل سومی هم باشد که آن ندانستگی هنر تئاتر است. برای دلیل یکم گفته‌اند که در یک تالار نمایشی به اصطلاح خصوصی، برای تأمین هزینه‌های تالار وتأمین بودجه و درآمد زایی مجبورند که در یک جای کوچک بدون رعایت استانداردهای لازم هر شب سه، چهار و گاهی پنج نمایش را باید اجرا کنند. این ازدحام مواجه می‌شود به نداشتن جایی برای دپوی دکورهای گروهها و از آن سو نیز، ۱۰ دقیقه زمان جابه‌جایی برای دو گروه است که همان وسایل اندک‌شان را بین دو اجرا تعویض کنند. یعنی از همان ابتدای قرارداد تالارها خود را تحمیل می‌کنند که دکور و وسایل صحنه و چیدمان زیادی نداشته باشید و پروژکتور هم نداریم. با دو، سه منبع نوری آن هم مشترک بین همان سه، چهار و پنج کار باید تعویض نوری انجام شود. در واقع از همان ابتدای نمایش، جلوی خلاقیت دیداری گروه را می‌گیرند و این خود آسیب بزرگی برای تماشای تئاتر است. هنر تئاتر هنر دیدن است و باید عناصر دیداری به شکل توانمندی در خدمت اجرا باشد که همه لحظات یک متن گویای تصاویر بکر، کارآمد و مؤثر باشد. بدون ارائه تصاویر و ایجاد یک فضای کم رمق و تکراری نفس تماشاگر را می‌گیرد و این تکراری بودن هم ضربآهنگ را می‌اندازد و حوصله سر بر است و هم نکته‌هایی در ذهن و ناخودآگاه ثبت نمی‌شود چون چیزی دیده نشده و فقط شنیده‌ها در ذهن می‌ماند و یک خط داستان که در سطح حرکت می‌کند و انگار هیچ جنبش وجهش وتکاپویی به لحاظ حرکتی ومیزانسن انجام نشده است. حالا چرا باید در این شرایط تن به کار داد؟!؛ پرسشی است که هنوز پاسخ درست و قانع کننده‌ای به آن داده نشده است. دوم صرفه‌جویی در هزینه هاست که شاید در نگاه اول مضحک به‌نظر بیاید که ما در تئاتر نباید پولی صرف دکور کنیم که ساخت، حمل ونگهداری اش هزینه‌بر است. آن هم برای ۱۰، ۲۰ یا ۳۰ اجرایی که بعدش هیچی از آن تئاتر باقی نمی‌ماند!!! دقیقاً تئاتر محل هزینه کردن است و برای صرفه‌جویی نیز از حشو و زوائد می‌کاهند، نه اینکه از پایه و اساس دور طراحی صحنه خط قرمز بکشند که هزینه بر است. اصلا تئاتر هزینه بر است و گروه هم باید هزینه کند که نتیجه هزینه‌اش را تماشا کند. مگر تماشاگر هزینه نمی‌کند؟ او هم وقت و پولش را صرف تئاتر دیدن می‌کند و انتظار دیدن یک کار خوب را دارد و اگر خود خواسته نکته‌ای کم باشد، این یعنی ضربه زدن به روح و روان تماشاگر که باید مدام شاهد کارهای الکن وناقص باشد. شاید سومین دلیل که ندانستگی تئاتر است، باعث شده باشد، آن دو دلیل را توجیه پذیر کند که مدیر تالار و تهیه کننده و کارگردانی که تئاتر را نشناسند تن به هر شرایط غیر معمولی می دهند و بی دلیل تئاتر تهی می‌شود از عناصری که حتماً لازمه یک اجرای خوب و مطلوب است. بنابراین ازصحنه خالی در تئاتر بی دلیل و غیرمنطقی پرهیز کنیم و تئاترمان را باری به‌هر جهت وتهی از منطق و معنا نگردانیم.

پیشنهاد

محمدعلی حیدری
نویسنده

از تهران با عشق

در یک دهه اخیر، نویسندگان زیادی که اغلب آنها سابقه مطبوعاتی داشتند، وارد بازار نشر شده‌اند و اغلب، آثاری پرخواننده و پرفروش داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین دلایل توجه به این آثار، جدا از تبلیغات و معرفی درست رسانه‌ای و حمایتی که اغلب روزنامه‌نگاران از همکاران نویسنده‌شان داشته‌اند، نثر و نوع نگاه حاکم بر این آثار است. در حالی که در بیست سال گذشته کمتر می‌توان از نثر سالم و ادبیات کم‌ایراد صحبت کرد، روزنامه‌نگاران در مقایسه با بسیاری دیگر از نویسندگان تازه‌کار، بواسطه دانش و تجربه فراوان نوشتن، نثری پالوده و سلامت دارند. داستان‌های آنها، حال و هوای اجتماعی دارد و این ویژگی، کتاب‌ها را زنده، باطراوت و برای خواننده شیرین می‌کند.

«تهران، قلهک، کوچه آفتاب» اثر محدثه واعظی‌پور، مجموعه داستانی است که به‌تازگی وارد بازار نشر شده و نویسنده آن، سابقه‌ای بیست ساله در روزنامه‌نگاری سینمایی دارد. همین سابقه و اشاره، راهی برای ورود به دنیای کتاب است. کتابی با هشت قصه درباره تهران و عشق. قصه‌ها کوتاه و گاه، بعضی مانند «بام تهران» ثبت یک لحظه حساس هستند. یک لحظه سرنوشت‌ساز که ممکن است دیگر تکرار نشود. پرداخت داستانی قصه‌ها، در عین سادگی مستحکم است و هر داستان، تماشاگر را با خود همراه می‌کند. با توجه به روحیه زنانه‌ای که بر روایت حاکم است، می‌توان گفت با اثری پراحساس و نه احساساتی روبه‌روییم. نویسنده با عشق و حسرت به تهران و آدم‌هایش چشم دوخته است. آدم‌هایی از جنس پریسا، یاسمن و کاوه که هر کدام یک قهرمان هستند و آدم‌هایی از جنس ملیحه خانم که با امیدواری، معنایی مضاعف به زندگی بخشیده‌اند. ردپای نسل جوان و عشق‌های شکننده‌شان هم در کتاب هست. اگرچه نه به پررنگی نسل‌های قبل. اما نشانه‌ها کم نیست تا تهران و جوان‌هایش را پیدا کنیم. «تهران، قلهک، کوچه آفتاب» خوشخوان است، جمله‌ها کوتاه هستند و هر قصه معمولاً، با یک ضربه آغاز شده یا به پایان می‌رسد. مثل «بهجت‌آباد» که کابوس شخصیت اصلی را روایت می‌کند، همراه او به گذشته سفر می‌کنیم و به عشقی از دست رفته می‌رسیم. در «میرداماد» قصه با یک ضربه و شوک تمام می‌شود و خواننده با حال و هوای شخصیت‌ها شریک می‌شود.

نام هر قصه «تهران، قلهک، کوچه آفتاب» برگرفته از یک محله پایتخت است، شخصیت‌ها در جغرافیای تهران معنا پیدا می‌کنند و آن محله، بخشی از هویت آنهاست. سعی شده وضعیت طبقاتی و فرهنگی متناسب با هر محله در قصه نمود پیدا کند و بی آنکه فقر و اختلاف طبقاتی چشمگیر این سال‌ها در کتاب خودنمایی کند، شرحی از مصایبی باشد که مردم شهر، کم و بیش با آن دست به گریبانند. خواندن این کتاب، برای آنها که تهران، راوی قصه عشق‌شان است، لذت بیشتری دارد.

■ **مجموعه‌داستان «تهران، قلهک، کوچه آفتاب»**
■ **محدثه واعظی‌پور**
■ **نشر عنوان**

عکس نوشت

بازسازی گالری اوفیتزی در شهر فلورانس ایتالیا باعث شد چندین دیوارنقش متعلق به قرن هفدهم و هجدهم میلادی از زیر گچ دیوارهای این گالری کشف شوند.
یکی از این دیوارنقش‌ها نقاشی تمام قد قرن هفدهمی از کوزیموی دوم دی مدیچی و گل و بته‌های تزئینی است که در دهه ۱۷۰۰ میلادی روی دیوارها و سقف اتاق‌های مجاور حک شده‌اند. این دیوارنقش‌ها در ضلع غربی موزه کشف شده‌اند و پس از بازگشایی قرار است در معرض دید بازدیدکنندگان قرار بگیرد و محل ورودی بازدیدکنندگان از کنار آنها خواهد بود.

روز دوازدهم ماه رمضان

ای پشتیبان آنهایی که پشتیبانی ندارند

یک دقیقه با خدا

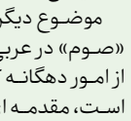

عبدالرحیم سعیدی راد
شاعر و پژوهشگر

پیمانه عمر ما در دستان حکیم و عالمانه تو قرار دارد.
دیروز می توانست روز آخر زندگی من باشد و اگر اراده تو نبود، پرونده عمر ناچیز من بسته می شد. اما تو به من اجازه دادی تا یک طلوع دیگر را شاهد باشم.
به من فرصتم دادی تا سهم بیشتری از رحمت بی پایانت به من برسد.
تا زمان بیشتری با یاد تو زندگی کنم؛ ببخشم ؛ گل‌های مهربانی را تکثیر کنم؛ به مردم نیازمند یاری برسانم و حتی بتوانم از اشتباهاتم برگردم.
در ایستگاه دوازدهم ماه رمضان؛ از تو می خواهم تنها برای یک لحظه هم که شده؛ دست با کرامتت را بر دل ناآرامم بکشی! همین!

روزه ماه رمضان

ماه میهمانی خدا

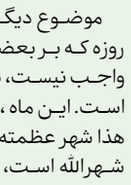

آیت‌الله شهید مرتضی مطهری

یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون[1] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما نوشته شده همچنان که بر پیشینیان نوشته شد، شاید که پرهیزگار شوید).
روزه مظهر تقوا است. بدیهی است کسی که بر خودش مسلط نباشد آن اندازه که یک کاری را بتواند ترک کند، او هرگز نخواهد توانست یک عمل مثبت انجام دهد. اینجا سه موضوع مطرح است:یکی اینکه بر ما فرض است روزه. روزه یعنی امساک کردن از امور دهگانه یا نه‌گانه معروف که در درجه اول خودداری از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌هاست.
موضوع دیگر اینکه کلمه «روزه» در فارسی مرادف «صوم» در عربی نیست. صوم یعنی امساک. امساک از امور دهگانه که از یک سلسله امور حلال و عادی است، مقدمه ای است برای آمادگی بیشتر نسبت به امساک‌های همیشگی، یعنی نسبت به چیزهایی که آدمی همیشه نسبت به آنها در حال صوم و امساک است و صوم دائم است و هیچ وقت نباید بشکند. این صوم برای تقویت آن صومه است که شکست‌ناپذیرتر بشود و در عین اینکه این روزه موقت مقدمه آن روزه همیشگی است، آن روزه همیشگی نیز شرط قبول و تأثیر این روزه است. باید انسان از بسیاری از امور دیگر همیشه روزه بگیرد، یعنی از غیبت و دروغ و سخن‌چینی و فحش و فتنه‌انگیزی و آزار دیگران و ربا و ریا نیز باید روزه بگیرد. مرتبه عالی‌تر صوم این است که انسان از غیر حق و خدا روزه بگیرد و جز خدا نخواهد و نبیند.
موضوع دیگر اینکه ماه رمضان قطع نظر از وجوب روزه که بر بعضی اشخاص واجب است و بر بعضی واجب نیست، یک احترام لازمی دارد که بر همه لازم است. این ماه ،ماهی است مبارک و معظم و مکرم (و هذا شهر عظمته و کرمته و شرفته و فضلته علی الشهور[2]) شهرالله است، ساعاته افضل الساعات و ایامه و لیالیه افضل الایام و اللیالی[3]. ماه رمضان از شعارهای اسلامی است و باید تعظیم شود.
در خطبه شعبانیه است: دعیتم فیه الی ضیافةالله[4]. پس یا باید ما رمضان را میهمان بشماریم یا باید خود را میهمان فرض کنیم و مانند یک میهمان مؤدب و ملاحظه‌کار باشیم. باید وضع اجتماع و بازار مسلمین طوری باشد که نمودار باشد و میهمان جدیدی بر آنها وارد شده و به احترام آن میهمان در خیابان و کوچه و مسجدها و خانه‌های آنها تغییری پیدا شده. باید همان طور که طبعاً در هنگام عید نوروز که یک شعار ملی است خود به خود کودکان در بزرگان شور و نشاط و هیجانی می‌بینند و در روح لطیف آنها موج بیشتر و شور زیادتر و احساسات عمیق نشاط آمیز پیدا می‌شود، در رمضان هم که بهار عبادت و فروردین تزکیه نفس است در خانه‌ها همچو محیط و فضایی به‌وجود بیاید، نه اینکه همه‌اش در خانه احساس جنگ و جدال و اوقات تلخی و عبوسی و عصبانیت کنند، کما اینکه نماز هم در خانه نباید از نظر طفل به شکل یک عمل زوری و اجباری جلوه کند، پس رمضان و نماز، بلکه مطلق شعارهای دینی، از نظر روانشناسی و تربیت کودک مخصوصاً باید مورد توجه قرار گیرد.

■ **منبع:**
یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۱۴/ ص ۲۰۳-۲۰۴، ۲۱۲.
■ **پی‌نوشت‌ها**
۱. بقره / ۱۸۳.
۲. بخشی از دعای ماه مبارک رمضان که خواندن آن بعد از نمازهای یومیه در این ماه مستحب است. ترجمه: و این ماهی است که آن را عظمت و کرامت و شرافت بخشیده‌ای و بر ماه‌های دیگر برتری داده‌ای.
۳. بخشی از خطبه پیامبر اکرم(ص) در آخرین جمعه ماه شعبان، معروف به «خطبه شعبانیه». ترجمه: ساعات این ماه بهترین ساعات و روزها و شب‌هایش بهترین روزها و شب‌هاست.
۴. ترجمه: در این ماه به میهمانی خدا دعوت شده‌اید.

نگاره

احسان نوری نجفی

و فاصله بین من و تو، خالی بود

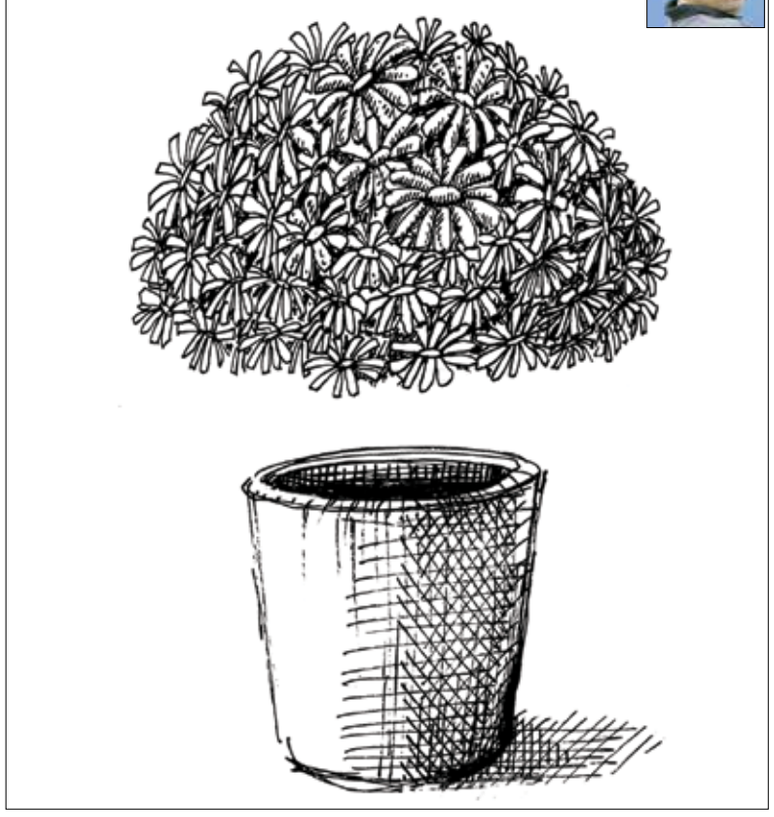

#من_تیمم_رو_نمیفروشم

هشتگ

فیلمی از کودک آزاری یک هوادار فوتبال در شبکه‌های اجتماعی به اصطلاح وایرال شد. در این فیلم هوادار پرسپولیسی با کشیدن گوش پسربچه‌ای از او می‌خواهد علیه تیم استقلال شعار دهد و پسر می‌گوید تیمش را نمی‌فروشد. خیلی‌ها علیه این فیلم و کودک آزاری نوشتند و اینکه نباید هواداری از تیم‌های فوتبال و کری خوانی باعث آزار و اذیت دیگران شود. انتشار گسترده این فیلم باعث شد کودک آزار بازداشت شود. نظرات کاربران را درباره این موضوع بخوانید: «تلخ‌تر از فیلم و آزار روی داده این است که بر اساس قوانین موضوعه فعلی، قانوناً هیچ مجازاتی را نمی‌توان بر آزارگر اعمال کرد. حتی در قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب اردیبهشت ۱۳۹۹ نیز برای این روش از آزار کودک مجازاتی تعیین نشده است.»، «آدم آزاری و کودک آزاری چه ربطی به لذت بردن از فوتبال داره احمق ها؟»، «قربون اون «نَمگُم» گفتنت عاخه، که هربار میگی، اون دوتا بیشتر تو لجن فرو میرن. اما این موضوع فراتر از یه کل کل فوتبالیه. جامعه‌ای که امروز سر فوتبال کودک آزاری می‌کنه، فردا سر موضوعات اساسی‌تر، کارای دیگه ازش برمیاد.»، «عکس و تصویر اون پسربچه رو که گفت من تیمم رو نمی‌فروشم بدون پوشش منتشر نکنید. عکس و تصویر اون دخترچه بدسرپرست رو که به بازیچه سیاسی بدل شده بدون پوشش منتشر نکنید. انتشار تصاویر قربانیان کودک آزاری جرمه.»، «من تیمم رو نمی‌فروشم. این دیالوگ خالص‌ترین دیالوگی بود که از یک هوادار شنیدم اون هم یک هوادار کوچک»، «به بچه طفل معصوم رو به‌خاطر علاقه بیش از اندازه‌اش به تیم محبوبش آزار بدی که چی رو ثابت کنی؟»، «فوتبالی که میلیون‌ها انسانو به هم مرتبط میکنه تو جای‌جای دنیا نمیتونه باعث وحشیگری بشه. این ذات بعضیاست که خرابه، تو انسانیتو فروختی ولی من تیمم رو نمی‌فروشم.»، «امیدوارم هیچوقت برای فوتبال و هواداری به همچین نقطه‌ای نرسم که برای کری خوانی، انسانیت و شرف رو زیر پا بذارم.»، «کودک آزاری چنان که خون به جوش بیاید تصویر شده است، اما ویدئو نه به فوتبال مربوط است و نه به هواداری. پرسپولیسی بودن آن کودک آزار حتی گوشه‌ای از بحث درباره این ویدئو نیست. آن هیولای بی‌سروپای حقیر می‌توانست طرفدار هر تیمی باشد.»، «به ویدئوهایی هست (اغلب از رفتار هوادارا) که با این کیشن منتشرش می‌کنیم: «به اونایی که می‌پرسن چیه فوتبال جذابه اینو نشون بدید!» در مقابل اون ویدئوهای جذاب دنیای فوتبال این کثافتی که به‌عنوان هواداری اینور و اونور پخش میشه هم هست که هیچ پاسخی براش وجود نداره.»، «اگر توئیتر نبود خبر این کودک آزاری رو هیچ رسانه ای پوشش کامل و جدی نمیداد. همین‌طور که الان به‌صورت جدی پوشش نمیدن.»، «کودک آزاری، جای کل کل‌های رنگی نیست! اصل این اتفاق شوم، نباید در کری خونی‌های فوتبالی محوبشه.»، «فقر فرهنگی یعنی یه عده کودک آزاری کردن و بیماری فرهنگی یعنی یه عده دیگه یا دارن از کودک آزاری حمایت می‌کنن یا سر همین قضیه باهم کل کل فوتبالی می‌کنن.»، «هیچ جوره درک نمیکنم چطور میشه به خاطر فوتبال کودک آزاری کرد.»

شهروند مجازی

یگانه خدامی

خطر پروازهای هند

ماجرا

کرونای جهش یافته در هند همه را نگران کرده است. آمار بالای مبتلایان و قربانیان در این کشور و سرعت بالای شیوع این نوع جهش یافته کرونا باعث شده خیلی‌ها از لزوم لغو پروازهای هند بگویند. پس از این درخواست ها و براساس تصمیمات وزارت بهداشت از دیشب پروازها به دو کشور هند و پاکستان و از این دو کشور به ایران ممنوع شد: «هند در حال مقابله با بدترین موج کرونای جهان است. هیچ بیمارستانی بیمار نمی‌پذیرد. مردم حتی فرصت سوگواری مردگانشان را ندارند و تنها جنازه است که خاکستر می‌شود. شاخص آلودگی هوا در برخی شهرهای هند بسیار بالاست و ایران هنوز پروازها به و از هند را نبسته است.»، «جهش هندی کرونا خیلی وحشتناک‌تر از سایر جهش هاست و ترسناکیش اینه که همین بغل گوش ماست. مسئولان ما که خیلی به غافلگیر شدن علاقه دارن ولی ما ملت از غافلگیر شدن یه کم خسته‌ایم این بار لطف کنید و پروازهارو متوقف کنید.»، «چیزی که رسانه‌های ایرانی و خارجی از جهش سه گانه کرونا تو هند میگن و مینویسن به غایت وحشتناکه»، «تو رو خدا بی‌کفایتی لغو سفرهای نوروزی رو تکرار نکنید. به‌خاطر منافع یه عده، مردم رو به کشتن ندید.»، «حتی انگیزه ندارم که بنویسم «پروازهای هند رو متوقف کنید» چون اینها همونایی هستن که نه اول کرونا تَن به قرنطینه یک شهر دادن، نه پروازهای ماهان به چین رو متوقف کردن، نه نوروز ۱۴۰۰ قرنطینه را اعمال کردن.»، «کویت همه پروازهایش به هند حتی پروازهای تجاری (باربری) به هند رو لغو کرد.»، «هند صادرات واکسن اش رو متوقف کرده و گفته خودمون بیشتر لازم داریم اما پروازهای خروجیش رو کنسل نکرده.»، «تیتر اول همه خبرگزاری‌های دنیا الان گسترش کرونا در هنده چون خیلی وحشتناکه! آقایان تا دیر نشده، خواهش می‌کنم همین یک بار بجنبید! و مردم بدونید کرونا باید مهم‌ترین موضوع مورد توجه شما در این روزها باشه. امروز هیچ چیز دیگه ضرورتش اونقدر نیست.»، «حالا که هند در رشد کرونا جهش وحشتناکی داشته، لغو پروازهای هند مهم‌ترین کاری است که باید بلافاصله و بدون اتلاف وقت انجام شود.»، «اینقدر خبرهای کرونا و مرگ و میر دور و بر ما زیاد شده که متوجه خطر کرونای هندی نیستیم. به‌خاطر مردم پروازهای هند و پاکستان رو لغو کنین.»، «امریکا، انگلستان، نیوزیلند، پاکستان و هنگ کنگ پروازهاشون به/از هندوستان رو کنسل کردن. الان داشتم چک می‌کردم، پروازهای ما همچنان تا چند هفته آینده هم برقراره که. مسئولان قصد ندارن یه تکونی به خودشون بدن و پروازهای هند رو تعلیق کنن؟! کمر ملت شکست زیر این همه آمار مرگ و میر.»